

سیاست های مالی از دیدگاه قرآن

محمد امیر نوری کرمانی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

نویسنده با تأکید بر این که آن چه دولت ها در قالب سیاست مالی به عنوان اهداف اقتصادی - اجتماعی اجرا می کنند، در قرآن به شکل بسیار دقیق و انسانی تر آمده است، بحث خود را آغاز نموده است.

وی با مروری به اهداف سیاست های مالی چون تخصیص منابع، توزیع مجدد درآمد، تثبیت اقتصادی و تأمین بودجه دولت به اهداف قرآنی می پردازد که از آن جمله اند: آزادی انسان ها، توزیع مجدد درآمد، سرمایه گذاری زیربنایی و تأمین بودجه با اتکا بر اصل بنیادین عدالت.

شکی نیست که تحقق اهداف نیاز به ابزارهایی برای وصول به آنها دارد و این امر از نظر قرآن نیز دور نمانده است، چنان که نویسنده اظهار می دارد

این‌ها عبارتند از: مالیات‌های ثابت و متغیر، سیاست درآمدی مبتنی بر سطح اسراف و تبذیر و هزینه‌های دولت از طریق ایجاد تعادل و توازن در سطح عمومی جامعه.

نکته‌ای که در این رابطه خاطر نشان می‌گردد این است که مالیات اثر انقباضی در کاهش مصرف مردم دارد و هزینه‌های دولت اثر انبساطی در جامعه به بار خواهد آورد و در پی آن تعادل مطلوبی به وجود می‌آید.

واژگان کلیدی: مالیات، صدقات، سیاست مالی، اهداف اقتصادی، جامعه دینی.

مقدمه

تا یک قرن قبل، اهمیت و جایگاه سیاست مالی و پولی در اقتصاد، تردید پذیر بود و تأثیر مثبت دخالت دولت بر اشتغال، تورم، بیکاری، توزیع درآمد، تخصیص منابع، رشد و توسعه‌ی اقتصادی، پس انداز، سرمایه‌گذاری و کارایی اقتصاد، انکار پذیر. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کم نبودند اندیشمندانی که آموزه‌های انسانی پیشوایان دین را به چالش می‌کشیدند و حمایت از نیازمندان را مخالف قانون طبیعت می‌شمردند و دخالت دولت در جهت توزیع مجدد درآمد و تخصیص منابع و تحت پوشش قرار دادن اقشار کم درآمد را ناروا و دخالت ناصواب در نظام عرضه و تقاضا می‌پنداشتند، ولی امروزه تأثیر دخالت ارشادی دولت در بهبود توزیع و تولید و افزایش مطلوبیت در مصرف، انکارناپذیر است.

بدین ترتیب، اگر پیشتر به آثار اقتصادی و اجتماعی دستورات و توصیه‌های دینی در رابطه با تولید، توزیع و مصرف نگرشی منفی وجود داشت، امروز چنین نیست. در واقع، ایجاد سازمان‌های تأمین اجتماعی و راه‌اندازی برنامه‌های حمایتی، با استفاده از ابزارهای سیاست پولی و مالی و مدیریت و برنامه‌ریزی دولت‌ها به منظور ایجاد اشتغال، مبارزه با بیکاری و تورم، گویای ضرورت

دخالت دولت‌ها در جهت دست‌یابی به رشد و توسعه‌ی اقتصادی همراه با کاهش شکاف طبقاتی است.

آن چه دولت‌ها در قالب سیاست مالی به عنوان اهداف اقتصادی - اجتماعی اجرا می‌کنند، در قرآن به شکل بسیار دقیق و انسانی تر آمده است. در این نوشتار ضمن اشاره به اهداف، ابزار و تأثیر سیاست مالی در اقتصاد معاصر، دیدگاه قرآن و اسلام را در این موارد بررسی می‌کنیم. سیاست مالی عبارت است از دخالت دولت در اقتصاد با استفاده از ابزارهای مالی به منظور بهبود در توزیع درآمد، تخصیص منابع، تثبیت و توسعه‌ی اقتصادی.

قبل از بحران ۱۹۲۹-۱۹۳۳ م، در کشورهای صنعتی، اقتصاددانان بر این باور بودند که دولت نباید در اقتصاد دخالت کند و نباید در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، ایجاد فرصت برابر و رقابت عادلانه وارد عمل شود؛ ولی ظهور آن بحران و تنش‌های اجتماعی به دلیل غیرانسانی و تحمل‌ناپذیری محیط کار و فقر و بیچارگی کارگران، نشان داد که از دست نامرئی کلاسیک‌ها کاری ساخته نیست. از میان بحران‌ها و به دنبال اعتراضات اندیشه‌وران، که به شرایط غیرانسانی محیط کار معترض بودند و رشد روزافزون کمونیسم در غرب، کینز، اقتصاددان بزرگ انگلیسی، ظهور کرد. او برای خروج از بحران و بهبود وضعیت اقتصادی، توزیع مجدد درآمد را مؤثر شمرد و فراهم سازی امکان مصرف بیشتر برای اقشار کم درآمد را از زوایای تقاضا، مفید و برای خروج از رکود، ضروری دانست (رشد و توسعه اقتصادی، بی‌تا، ۵۶۳/۲ - ۶۸۰). از این به بعد بود که سیاست مالی به صورت جدی از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

از دیدگاه اسلام، دخالت اقتصادی به منظور کارسازی مصرف متوسط برای همه‌ی مردم، جلوگیری از اسراف و زیاده روی ثروتمندان، هدایت پس اندازها به سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و تولیدی، فراهم سازی زمینه برای آزادی انسان‌ها و رهایی از دست اربابان زر و زور و تزویر و رهنمون شدن او به سمت

اهداف سیاست‌های مالی

اهداف سیاست‌های مالی، با توجه به شرایط اقتصادی و چالش‌های سیاسی، از کشوری به کشور دیگر می‌تواند متفاوت باشد، ولی در این جا به چند مورد اصلی بسنده می‌کنیم.

۱) تخصیص منابع

فعالیت‌های اقتصادی، براساس نظام عرضه و تقاضا، ممکن است در مسیری حرکت کند که باب طبع حکومت نباشد، یا با مصالح ملی همسو نباشد. به عنوان مثال دولت می‌خواهد کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه در داخل کشور تولید شود، ولی تولیدکنندگان براساس منفعت خواهی شخصی ترجیح دهند کالاهای لوکس و تجملی تولید کنند. در این صورت از طریق بستن مالیات بر کالاهای لوکس، دولت می‌تواند روند تخصیص منابع را تغییر دهد و تولید کالاهای اساسی را ترویج کند.

۲) توزیع مجدد درآمد

دولت‌ها معمولاً سعی می‌کنند از طریق بستن مالیات بر کالاهای لوکس، که طبقات مرفه جامعه مصرف می‌کنند، و نیز توزیع آن در قالب یارانه به گروه‌های کم درآمد، عدالت اجتماعی را تحقق بخشند. همچنین از طریق بستن مالیات‌های مستقیم تصاعدی و نسبی می‌توانند به توزیع مجدد درآمد کمک کنند.

۳) تثبیت اقتصادی

به هر دلیل، به ویژه هنگام اجرای سیاست توسعه‌ی اقتصادی، تورم پدید می‌آید. دولت برای جلوگیری از تورم، سیاست انقباضی مالی را در پیش می‌گیرد؛ یعنی مالیات را افزایش می‌دهد و از این طریق تقاضای مصرفی مردم را کاهش داده،

نظام عرضه و تقاضا را به تعادل نزدیک می‌کند؛ یا در هنگام رکود اقتصادی، سیاست انبساطی مالی را به کار می‌گیرد، و از راه افزایش در مخارج دولتی و یا کاهش مالیات و در نهایت افزایش تقاضای مؤثر، اقتصاد را از رکود خارج می‌کند.

۴) تأمین بودجه‌ی دولت

دولت برای اداره‌ی جامعه نیاز به منابع مالی دارد. مالیات، مطمئن‌ترین و مناسب‌ترین منبع مالی دولت است و با استفاده از آن می‌توان مخارج سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی نظیر جاده‌ها، فرودگاه‌ها، نیروگاه‌ها، بهداشت، آموزش و پرورش و غیره را تأمین کرد.



اهداف سیاست مالی از دیدگاه قرآن

۱) آزادی انسان‌ها

از دیدگاه اسلام، انسان محور تمام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. تمام برنامه‌ها و امکانات باید در مسیری هدایت شود که راه رشد و کمال او را فراهم کند، زنجیرهای اسارت و بردگی جسمی و فکری را از دست، پا و فکر او بگسلاند. در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه درباره‌ی موارد مصرف زکات، چنین آمده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ ... وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ»؛ صدقات (زکات) به فقرا، ... تعلق می‌گیرد و همچنان در راه آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و ... هزینه می‌شود.

این آیه، سیاست مالی را از زاویه‌ی توزیع و هزینه کردن مالیات اسلامی بیان می‌کند و نشان می‌دهد که رهایی انسان‌ها از بردگی از اهداف آن است. همچنین است زدودن زمینه‌های بردگی، زیرا در صدر اسلام بسیاری از بردگان، بدهکارانی بودند که قدرت ادای دیون خود را نداشتند (طالقانی، ۱۳۵۰، ۲/۲۵۲). اسلام، با استفاده از ابزار سیاست مالی و ادای دین مدیونان (الغارمین) زمینه‌ی بردگی را از جامعه می‌زدود.

۲) توزیع مجدد درآمد

شکی نیست، انسان‌ها استعداد و توانایی‌های متفاوت دارند. در این میان تعدادی پیر، از کار افتاده، بیمار و بی‌سرپرست می‌باشند. از دیدگاه اسلام، درآمد و ثروت متفاوت قابل پذیرش است، ولی دولت و مردم موظفند تا به از کار افتادگان و نیازمندان، در حدی کمک کنند که نیاز یک ساله‌ی آنها رفع شود. قرآن، گروه‌های نیازمندی را که باید از مالیات (خمس و زکات) به آنها کمک شود نام می‌برد:

در آیه‌ی ۶۰ از سوره‌ی توبه آمده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ ... وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ»؛ از جمله گروه‌های مستحق زکات، نیازمندان و بیچارگان و در راه ماندگان هستند که بر مؤمنان واجب است به یاری آنها بشتابند. در آیه‌ی ۴۱ از سوره‌ی انفال می‌خوانیم: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلِّهِ حُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ»؛ بدانید که هر چه به شما غنیمت و فایده رسد، خمس آن مال خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان است.

آیه‌ی ۷ سوره‌ی حشر، که در رابطه با هزینه کردن فیء آمده، تعابیری مشابه آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال دارد و از همان شش مورد مصرفی نام می‌برد که در آیه‌ی خمس آمده است؛ با این تفاوت که در سوره‌ی حشر، اولاً علت اعمال سیاست مالی و توزیع مالیات میان نیازمندان، یتیمان و در راه ماندگان را بیان می‌کند: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»؛ (توزیع مجدد درآمد) به این خاطر است که ثروت در دست اغنیا متمرکز نشود، ثانیاً، به دنبال آیه (در آیه‌ی بعدی) به مصداق بارز ابن اسبیل اشاره می‌کند: «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ»؛ از جمله موارد مصرف انفال، فقرای مهاجر است؛ آنها که به دلیل اخراج از سرزمین و جدایی از اموال و دارایی خود نیازمند شده‌اند.

بدین ترتیب، دولت در فرایند برقراری عدالت و برابری در مصرف، باید به نیازمندان، بی‌سرپرستان و مهاجرانی که به سبب ظلم و ستم از سرزمین خود آواره شده‌اند، کمک کند و این کمک در حدی باشد که مخارج سالانه‌ی آنها را

کفایت کند.

۳) سرمایه گذاری‌های زیربنایی

سرمایه گذاری در بخش‌هایی که بازدهی مستقیم ندارد و بخش خصوصی در این گونه فعالیت‌ها از خود علاقه و رغبت نشان نمی‌دهند، مانند ساختن جاده‌ها و بزرگ‌راه‌ها، نیروگاه‌ها، راه اندازی بنادر و فرودگاه‌ها. از منابع خمس و زکات می‌توان مخارج این گونه سرمایه گذاری‌ها را تأمین کرد.

در آیه‌ی خمس و انفال آمده: «فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ»؛ هزینه کردن خمس در راه خدا همان سبیل الله است که در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه آمده است، یعنی تأمین مخارج ساختن راه‌ها، پل‌ها، فرودگاه‌ها و....

نام بردن پیامبر ﷺ و ذی القربی در این فهرست، نه به معنای مالکیت شخصی، بلکه گویای صلاحیت آنها در رابطه با هزینه کردن خمس، زکات و انفال می‌باشد (امام خمینی، بی‌تا، ۲/ ۲۸۰-۲۰۰). هزینه کردن در زمینه‌ی آموزش و بهداشت از اصلی‌ترین موارد مصرف خمس است. از همین دست است تأمین مخارج کارمندان، «والعاملین علیها» و کمک‌های بلاعوض به افراد غیرمسلمان و حکومت‌های دیگر براساس عواطف انسانی و مصالح اجتماعی، «والمؤلفة قلوبهم».

۴) تأمین بودجه

تأمین بودجه، به همان اندازه ضروری است که حکومت ضرورت دارد. تأمین مخارج کارمندان بخش عمومی، کمک به دولت‌ها و افراد براساس مصالح اجتماعی، تأمین هزینه‌ی سرمایه گذاری‌های زیربنایی و... نیاز به وصول مالیات دارد.

اهداف تخصیص منابع و تثبیت اقتصادی، بر تجربیات بشری و مصالح عمومی مبنی است. این اهداف تا جایی قابل پذیرش است که با اصول دیگر در تضاد نباشد. به عبارتی، از دیدگاه اسلام، عدالت اصل بنیادی است و بی‌شک

اهداف سیاست مالی، نباید مخالف این اصل باشد.

ابزارهای سیاست مالی از دیدگاه قرآن

از دیدگاه اسلام، سه ابزار برای اعمال برنامه‌های دولت و هدایت فعالیت‌های اقتصادی در مسیر مطلوب و تأمین اهداف اقتصادی وجود دارد:

الف - مالیات‌ها

اگر نرخ مالیات‌های اسلامی را ثابت در نظر بگیریم (هر چند شواهد تاریخی به انعطاف پذیری آن گواهی می‌دهد)، نحوه‌ی هزینه کردن آن تأثیر انبساطی و انقباضی بر اقتصاد می‌گذارد. همچنین است‌ساز و کار خودکاری که مالیات به نرخ ثابت به همراه دارد.



ب - مخارج دولت

دولت با افزایش حقوق کارمندان اداری، مخارج زیربنایی و پرداخت‌های انتقالی می‌تواند قدرت خرید و تقاضای مؤثر جامعه را بالا ببرد و به رشد و توسعه‌ی اقتصادی دامن بزند. تمام موارد هزینه همان‌طور که قبلاً گفته شد در قرآن آمده است.

ج - سیاست درآمدی

در این نوع سیاست، دولت برای جلوگیری از تورم و رهایی از پیامدهای زیان‌بار آن از راه تشویق و تهدید، مخارج بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. از دیدگاه قرآن، منع اسراف و تبذیر نوعی از سیاست درآمدی است (حکیمی، ۱۳۷۳، ۱۳۳/۳).

محدود کردن مخارج مصرفی، امکانات و منابع مالی را از مخارج مصرفی به سرمایه‌گذاری هدایت می‌کند. جلوگیری از احتکار و مبارزه با تورم و رباخواری، سرمایه‌ها را به مسیر مفید و اقتصادی می‌کشاند.

تأثیر سیاست‌های مالی بر اقتصاد (از دیدگاه قرآن)

می‌دانیم که مالیات، اثر انقباضی و مخارج، اثر انبساطی دارد. به این معنا، افزایش مالیات، باعث می‌شود که بخشی از درآمد مردم به دولت منتقل شود و مخارج مصرفی مردم کاهش یابد. اگر مردم کاهش در مصرف را از پس انداز جبران نکنند، قدرت خرید و به دنبال آن تقاضا تنزل می‌یابد.

در مقابل، مخارج دولت اعم از هزینه‌های سرمایه‌گذاری، پرداخت‌های انتقالی و مصارف اداری، اثر انبساطی دارد. افزایش مخارج به معنای توزیع قدرت خرید در جامعه می‌باشد؛ مثلاً وقتی دولت خدمات آموزشی را گسترش می‌دهد یا حقوق کارمندان را بالا می‌برد، باید مخارجش را افزایش دهد. این هزینه‌ها در قالب حقوق و دستمزد به جامعه منتقل می‌شود و مردم بخشی از این درآمد اضافی را به کالاهای مصرفی اختصاص می‌دهند. در صورتی که تولید و عرضه‌ی کالاها انعطاف‌ناپذیر باشد، شکاف میان عرضه و تقاضا به تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود.

در این جا تأثیر سیاست مالی بر برخی از متغیرها را ارزیابی می‌کنیم:

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الف - تأثیر سیاست مالی بر توزیع درآمد

به طور کلی نرخ مالیات (خمس، زکات، جزیه و خراج) یکنواخت است و تنها در یک مورد، یعنی زکات گوسفندان، نزولی می‌باشد. از آن جا که خمس به عنوان اصلی‌ترین بخش مالیات اسلامی، بعد از کسر مخارج سالانه به افراد تعلق می‌گیرد، در واقع مالیات بر پس انداز می‌باشد که خانواده‌های کم درآمد از پرداخت آن معاف می‌باشند و تنها ثروتمندان باید یک پنجم پس انداز خود را در قالب خمس بپردازند. حال آن که مهم‌ترین مورد مصرف آن فقرا و نیازمندان هستند که این امر، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد.

اما زکات، جزیه و خراج، مالیات‌هایی می‌باشند که در اقتصاد معیشتی کاربرد دارند و با توجه به نرخ ناچیز آن نزدیک به $\frac{1}{4}$ یا $\frac{2}{5}$ درصد، در اقتصاد صنعتی از اهمیت و جایگاه قابل توجهی برخوردار نیست (مدرسی طباطبایی،

۱۳۶۲، ۵۰-۲۰). در هر صورت این مالیات به دلیل معافیت خانواده‌های کم درآمد و پرداخت آن به نیازمندان، همانند خمس، توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد و جامعه را به برابری بیشتر هدایت می‌کند.

ب - تأثیر سیاست مالی بر مصرف، پس انداز و سرمایه گذاری
درآمد قابل تصرف (درآمد بعد از کسر مالیات)، به دو قسمت مصرف و پس انداز تقسیم می‌شود. بر همین مبنا، وقتی گفته می‌شود میل نهایی به مصرف اقشار کم درآمد بالاست، یعنی میل نهایی به پس انداز آنها پایین است. در اقتصاد اسلامی، مالیات، سبب انتقال درآمد از گروه‌های پردرآمد به اقشار آسیب پذیر جامعه می‌شود. این مسأله سرمایه گذاری مضر است؛ یعنی انتقال درآمد به فقرا سبب کاهش پس انداز و کمبود منابع سرمایه گذاری می‌گردد.

از طرفی تمام پس اندازها سرمایه گذاری نمی‌شود، ولی اسلام با منع کنز (گنج نمودن) و غیر فعال نگاه داشتن پس انداز، براساس آیهی «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه، ۳۴)؛ کمبود پس انداز را جبران می‌کند و باعث می‌شود که تمام پس اندازها سرمایه گذاری شود. بنابر این، مالیات‌های اسلامی سطح درآمد گروه‌های کم درآمد را بالا و قدرت مصرف آنها را افزایش می‌دهد. با این رویکرد، پس انداز کاهش می‌یابد ولی با منع اسراف، در کنار بستن مالیات بر پس اندازهای غیرفعال، حجم پس انداز و سرمایه گذاری را بهبود می‌بخشد. در نهایت، نمی‌توان ادعا کرد که توزیع درآمد به نفع گروه‌هایی که میل نهایی به مصرف بالا دارند، باعث کاهش در پس انداز مطلوب (سرمایه گذاری) می‌شود.

ج - تأثیر سیاست مالی بر تثبیت اقتصادی

امروزه سعی می‌شود با استفاده از ابزارهای سیاست مالی و پولی روند رشد اقتصادی را با ثبات و پایدار سازند و از نوسانات شدید در جهت مثبت و منفی جلوگیری کنند؛ زیرا رشد خیلی شدید همراه با تورم افسار گسیخته بعد از کوتاه

زمانی به رکود خواهد انجامید. به عبارتی، هم تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها هزینه‌هایی دارد و هم رکود؛ تورم باعث افزایش اختلاف طبقاتی، تشدید نابرابری به نفع سرمایه داران و به زیان دریافت کنندگان حقوق و دستمزد و اشخاص آسیب‌پذیر می‌شود، ولی در وضعیت رکود، بیکارزی تشدید و انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری و تولید از مردم گرفته می‌شود، رشد اقتصادی متوقف و تولید ملی تنزل پیدا می‌کند. به همین دلیل، دولت‌ها با استفاده از سیاست‌های اقتصادی مناسب، نوسانات اقتصادی را به حداقل کاهش می‌دهند.

اما نرخ مالیات، در اقتصاد اسلامی به گونه‌ای تعیین شده است که به صورت خودکار باعث تثبیت اقتصاد می‌شود و از نوسانات جلوگیری می‌کند. گذشته از اندک نوسانات، نرخ مالیات اسلامی ثابت می‌باشد، مثلاً نرخ خمس ۲۰ درصد از پس انداز سالانه می‌باشد؛ نرخ زکات بر محصولات کشاورزی نظیر گندم، جو، خرما و کشمش آبی ۵ درصد و در دیمی ۱۰ درصد می‌باشد و بر طلا و نقره ۲/۵ درصد.

مالیات یکنواخت و با نرخ ثابت این ویژگی را دارد که با افزایش درآمد، افزایش و با کاهش درآمد، کاهش می‌یابد؛ یعنی زمانی که اقتصاد به سیاست مالی انقباضی نیاز دارد، میزان خمس و زکات افزایش و زمانی که به سیاست انبساطی مالی احتیاج است، مالیات وصول کاهش می‌یابد. بدین ترتیب، مالیات اسلامی همراه خود تثبیت‌کنندگی دارد که در بحران‌های اقتصادی وارد عمل می‌شود.

بنابر این، علی‌رغم ثابت‌پنداری نرخ مالیات اسلامی، اگر براساس برنامه‌ای دقیق، از ثروتمندان و پس‌انداز کنندگان، زکات، خمس (از نظر شیعه)، جزیه، خراج و... وصول، و به فقرا و بیچارگان، در راه ماندگان، بی‌سرپرستان، و در راه آزادسازی بردگان، ادای دین بدهکاران و فعالیت‌های زیربنایی و اجتماعی هزینه شود، عدالت اجتماعی را تأمین می‌کند و به رشد و توسعه‌ی اقتصادی دامن می‌زند و دورنمای آینده را لذت بخش و دلپذیر و بلندای سعادت و کمال را تسخیرپذیر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

نظر به التفات دولت‌ها به مسأله‌ی اقتصاد و وضع سیاست‌های مالی در جهت بهبود تولید، توزیع و افزایش مطلوبیت در مصرف، ضرورت بازخوانی سیاست‌های مالی از منظر دینی اهمیت می‌یابد.

اگر چه بازخوانی سیاست‌های مالی در اسلام خارج از حوصله‌ی یک مقاله است و نیاز به بررسی گسترده در عرصه‌ی قرآن و سنت دارد، لیکن قرآن به عنوان یک منبع بنیادی متضمن اصول راهبردی که در صور برنامه‌ی مطالعه قرار دارد، راه‌گشای بسیاری از معضلات اقتصادی جامعه‌ی دینی در عرصه‌ی نیازهاست.

نگرش اصولی قرآن به اهداف و ابزار سیاست‌های مالی به گونه‌ای که می‌تواند در همه‌ی اعصار پاسخ‌گوی نیازهای نوشونده‌ی جوامع خود باشد، چنان که با پیروی از اصول جامع، مترقی و همه‌سویه‌ی آن، رابطه‌ی فقر و غنا به کمترین درجه‌ی خود تنزل یابد و چرخه‌ی اقتصاد ملی و مردمی را در جهت بهبود مسائل اقتصادی و افزایش درآمد و در نتیجه کمک به تحقق اهداف انسانی به حرکت وادارد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) امام خمینی (بی‌تا)، البیع، بی‌جا.
- ۳) حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۳)، الحیة، ترجمه‌ی احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴) طالقانی، سید محمود (۱۳۵۰)، پرتوی از قرآن، تهران.
- ۵) مدرسی طباطبایی (۱۳۶۳)، مقدمه‌ای بر نظام مالیاتی و بودجه در اسلام، انتشارات هجرت.